

تأملی در احیای نقش مساجد

به اقتضای تحولات عصر جدید

دکتر علی معموری

آیین‌ها و مراسم مذهبی یکی از عناصر و مقولات جدایی‌ناپذیر همه دیانت‌های آسمانی و بشری است. شعائر در نقش مجموعه سنت‌های اجتماعی با مفهوم نمادین دینی یا بشری نه تنها در شاکله و اسکلت ادیان و مذاهب حضوری جدی و فعال دارند که در نهادهای اجتماعی دیگر نیز به چشم می‌خورند. در واقع تمام اشکال و انواع آداب و رسوم، زیر مجموعه شعائر به حساب می‌آیند. این مجموعه ارزش‌ها و سنت‌های دینی، حقوقی، اخلاقی و... با کارکرد تنظیم و جهت‌دهی به رفتارها و اندیشه‌های عمومی، نقش مهمی در تمام فعالیت‌های اجتماعی انسان ایفا می‌کنند. از این روی شعائر دینی از نقش و اهمیت ویژه‌ای در نظام اعتقادی ادیان برخوردارند. شعائر دینی از نگاه مردم‌شناسی فرهنگی به دو کارکرد پیوسته به هم می‌پردازند: از یک سو موجب احیا و نشاط دوباره تصورات مذهبی شده و از سوی دیگر احساس بازگشت به ریشه‌ها و اصول را تقویت می‌کنند. شعائر در نقش بعد عملی عبادات به عنوان مجموعه رفتارهایی در ارتباط با پرستش خداوند تلقی می‌شوند که از حالت تقدس برخوردار بوده و در بسیاری از اعمال عبادی به صورت خضوع و کرنش در برابر خداوند به چشم می‌خورند. شعائر دینی در بسیاری موارد با مجموعه روابط اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی آمیخته گشته و کارکردهایی چند منظوره می‌یابند. در همین راستا دین اسلام به شعائر در عرصه حیات دینی و اجتماعی بشر، اهمیت بسزایی داده و آنها را سمبلی بر عبادت، تقوا و نیکوکاری قرار داده است. آیه ۳۲ حج در این باره می‌گوید: هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد پس آن نشانه تقوای دل‌هاست. در اسلام، مهم‌ترین واجبات و فرایض دینی مانند: نماز، روزه، حج و جهاد

در ارتباطی عمیق با شعایر قرار داشته و حتی شعایر اسلامی در روابط عمومی و روزمره جامعه مانند: تولی فرزندان، آداب ازدواج، مرگ و حتی خواب و بیداری حضوری جدی و مستمر دارند.

هر دیانتی به‌طور طبیعی برای نهادینه کردن فرایند عمل به شعایر مذهبی سعی در تأسیس قطبی ویژه می‌نماید که نام عمومی آن معبد است. نهاد مسجد در نقش تنها معبد اصیل اسلامی از نگاه دانش دین‌شناسی تطبیقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا فرمان و آیین‌نامه تأسیس بنای این معبد برخلاف بسیاری دیگر از ادیان به‌طور صریح در خود قرآن آمده است. با این حال و علی‌رغم جایگاه و موقعیت بنیادین و مستحکم این نهاد دینی در قرآن و سنت با شگفتی بسیار شاه پیدایش و شکل‌گیری مجموعه نهادهای مذهبی دیگر در کنار مسجد و به عنوان مکمل نقش آن هستیم که در بسیاری موارد در نقش رقیب آن در می‌آمدند. خانقاه، تکیه و حسینیه نمونه‌های روشنی از این دست نهادهای جانبی هستند. به راستی چه می‌شود که برخی در انجام مراسم دینی و عبادی خود در مسجد احساس تنگی نموده و به بیرون از آن کشیده می‌شوند؟ آیا مسجدی که در سنت نبوی محل هرگونه تجمع مسلمانان ولو در ظاهر بی‌ارتباط با مسایل عبادی طراحی شده گنجایش و ظرفیت اعمال عبادی این دسته افراد - صرف‌نظر از گونه‌های انحرافی آن - را ندارد و یا تعریف و کارکرد مسجد در فرهنگ اسلامی تغییر کرده و به نوعی محدود گشته است؟

گسترش ارتباطات در عصر جدید و پیدایش رقبات بسیار متنوع و متکثر در برابر نهاد مسجد، نقد و بررسی مجدد برخی عوامل محدودکننده نهاد مسجد را بیش از پیش ضروری گردانیده است. در واقع یا باید خزیدن و کناره گرفتن این نهاد دینی را از متن روابط اجتماعی پذیرفته و به کارکرد محدود آن در انجام پاره‌ای اعمال عبادی رضایت دهیم و یا با گشودن درهای آن به روی اقبشار مختلف، امکان رفع نیازهای بیشتر و متنوع‌تری درون آن فراهم آوریم. در همین راستا توجه خوانندگان محترم را به برخی از عوامل محدودکننده مسجد جلب نموده و در عین حال تأکید می‌نمایم که هدف از ذکر این موارد تنها جلب توجه و گشودن زمینه بحث و گفت‌وگو در این باره بوده و به هیچ وجه درصدد انتقاد و یا انکار حکمی شرعی نیستیم.

۱ - تنوع حاضران

در مساجد معمولاً تیپ خاصی از مردم و حتی گاه تیپ ویژه‌ای از متدینان و نه همه آنها حاضر می‌شوند که عدم حضور بسیاری از آنها نه از روی بی‌تفاوتی که به دلیل وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی می‌باشد که مانع پذیرفته شدن آنها در میان مسجدیان است. در واقع

بسیاری از مساجد عملاً به نوعی پاتوق برای طبقه‌ای از مردم بدل شده که ناخودآگاه دیگر طبقات جامعه را به تعریف جایگزین‌های دیگری برای مسجد وامی‌دارد. مسجد به منزله خانه خدا باید پناهگاهی مطمئن و ایمن برای همه بندگان او باشد ولو برخی از آنها در زمره اهل معصیت تلقی شده و حتی آثار آن بر چهره و شمایل آنان آشکار باشد. البته روشن است که زمینه باز و آزاد برای حضور این دسته نباید به تأیید رفتار آنها بیانجامد؛ اما آنها نیز به عنوان بندگان خداوند حق حضور در خانه او و شرکت در شعایر مذهبی را دارند؛ همان‌گونه که انسان‌ها از منظر دین اسلام در هر حال و در هر زمان و مکان اجازه دارند با خدای خود مستقیم و بی‌پرده سخن گویند.

« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا... وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلَمُوا لَهُ »^۱.

بنابراین هر انسانی هرگاه اراده کند که در جمع مؤمنان با خدای خود گفت‌وگو نموده و یا حتی از روی کنجکاوی قصد اطلاع یافتن از آداب و شعایر مسجدیان داشته باشد باید بتواند با آزادی تمام و بدون نگرانی از واکنش اهل مسجد به خواسته خود نایل شود. جالب توجه آن‌که در برخی اماکن مذهبی، قوانینی برای ممانعت از حضور برخی افراد تدوین شده و حتی همه اقشار متدینان نیز حق حضور در آن اماکن را ندارند؛ از باب مثال می‌توان از زیارتگاه‌ها نام برد که معمولاً ورود بانوان بدون چادر حتی در صورت برخورداری از پوشش کاملاً اسلامی ممنوع است.

۲ - حضور غیرمسلمانان

امروزه در عصر ارتباطات و در واکنش به پدیده جهانی‌سازی فرهنگی، متولیان همه ادیان و مکاتب سعی دارند از حداکثر امکانات و ابزارهای موجود برای حفظ موقعیت خود و رقابت با رقیبان استفاده نمایند و آیین و مذهب خویش را در معرض دید و اطلاع همگان به‌منظور جلب توجه و گرایش آنها قرار دهند؛ این در حالی است که یک غیرمسلمان بنا به برخی آرای فقهی نجس‌ظاهری تلقی شده و در نتیجه حق حضور در مساجد و آگاهی یافتن و چه بسا شرکت نمودن در آیین مذهبی مسلمانان را ندارد. نکته قابل توجه آن‌که چنین حکمی در عموم ادیان جهان از جمله مسیحیت و یهود و... وجود نداشته و افراد وابسته به ادیان دیگر می‌توانند به راحتی در مراسم مذهبی آنها شرکت نموده و از آن اطلاع کسب کرده و حتی از آن فیلم و عکس تهیه کنند؛ امری که حتی برای مسلمانان نیز در برخی اماکن مذهبی همچون حرم مطهر امامان شیعه فراهم

^۱ . زمر: ۵۳-۵۴.

نیوده و نوعی بی‌احترامی تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که اهل کتاب از میان غیرمسلمانان بنا به فتوای تعداد قابل توجهی از فقهای گذشته و امروز پاك تلقی شده حتی دیگرگونه‌های کافران نیز به فتوای برخی فقهای معاصر پاك می‌باشند که این مسئله می‌تواند راهکاری برای حل این مشکل پدید آورد. جالب توجه آن که کافران عصر پیامبر برای شنیدن کلام الهی و آگاهی از اسلام معمولاً در مسجد به حضور ایشان رسیده و با آن حضرت به گفت‌وگو می‌نشستند که در بسیاری موارد به اسلام آوردن آنها می‌انجامید. امروزه این محدودیت در برخی مساجد کشورهای غربی نیز برداشته شده و غیرمسلمانان نیز در کنار مسلمانان می‌توانند در آیین‌های اسلامی شرکت جسته که رودررویی مسلمانان آن کشورها با واقعیات عصر جدید در پیدایش این امر تأثیرگذار بوده است.

۳ - حضور بانوان

در مساجد معمولاً بانوان نقشی حاشیه‌ای و طفیلی ایفا نموده و دخالت مستقیم در تصمیمات مربوط به مسجد و انجام مراسم‌های مذهبی ندارند و حتی در نقشه بنای مساجد نیز آنها را در گوشه‌ای دنج و زاویه‌ای کور و دلگیر وا می‌نهند. گویا بیشتر نقشی شبیه به يك تماشاگر برای آنها در نظر گرفته می‌شود. البته بدیهی است که این مسئله از علل و عوامل تاریخی و فرهنگی ناشی شده و چه بسا در بسیاری موارد به طور ناخودآگاه از سوی متولیان مساجد سر می‌زند؛ از جمله می‌توان به وجود پاره‌ای روایات بررسی نشده‌ای اشاره نمود که حضور بانوان را در مساجد چندان ضروری نشمرده و مسجد آنها همان خانه‌شان تلقی شده است. علاوه بر این ممنوعیت حضور بانوان در ایام عادت زانه خود عامل دیگری در بیرون نمودن نیمی از افراد جامعه از متن شعایر مسجدی به حساب می‌آید و بدین‌سان تقریباً هر خانمی در حدود يك سوم از دوران زندگی خود از حضور در مساجد و شرکت در مراسم مذهبی و فرهنگی آنها به جز نماز که از آن معاف شمرده شده است محروم است. راه حل ساده و ابتدایی این مشکل که به طور محدود در برخی مساجد اتخاذ شده آن است که بخش ویژه بانوان خارج از محدوده وقف مسجد در نظر گرفته شود؛ اما به هر روی این مانع از آن نمی‌شود که مسئله مذکور مورد بحث مجدد فقهی قرار گیرد.

۴ - تنوع فعالیت‌ها

در مساجد معمولاً به انجام برخی مراسم عبادی خاص بسنده شده و تنوع کارکردی چندانی در

آنها به چشم نمی‌خورد که این مسئله به‌طور طبیعی از جاذبه مساجد برای بسیاری از افراد جامعه کاسته و حتی برخی متدینان را برای ذکر نمونه تاریخی آن می‌توان از حسینیه‌ها و تکایا نام برد.

۵ - امام جماعت

امام مسجد علاوه بر نقش عبادی از جایگاهی اجتماعی برخوردار بوده و نقش ایجاد ارتباط با گروه‌های مختلف جامعه را برعهده دارد. بنابراین نمی‌توان به حداقل شروط فقهی در انتخاب امام جماعت بسنده نمود و به ویژگی‌های اجتماعی و حتی شکل ظاهری او توجه نداشت. امام مسجد باید از روحیه‌ای بانشاط و فعال و جاذبه‌های شخصیتی ویژه‌ای برخوردار باشد تا بتواند نقش ارتباطی خود را با مخاطبان متنوع حاضر در مسجد به خوبی ایفا نماید. گاه ویژگی‌های امام جماعت به اقتضای محل مأموریت و نوع مخاطبان تغییر کرده و حالتی نسبی می‌یابد؛ مثلاً در دانشگاه‌ها مناسب است که امام جماعت خود از تحصیلات دانشگاهی و تجربه دانشجویی برخوردار باشد و یا در اماکن ویژه بانوان مناسب است که امام جماعت خود نیز از میان خانم‌ها انتخاب شود و حتی گاه ممکن است تعیین یک شخصیت غیر معمم و یا حتی غیرروحانی مناسب‌تر باشد که در این‌گونه موارد نباید پاره‌ای تعصبات صنفی را بر مصالح اسلامی ترجیح داد.

۶ - اداره شورایی

امروزه همه نهادهای اجتماعی به سوی نوعی دموکراسی در شیوه اداره و تصمیم‌گیری حرکت می‌کنند. مساجد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و لذا در بسیاری مساجد شاهد شکل‌گیری هیئت مدیره به جای متولی که در گذشته صاحب اختیار و همه کاره مسجد به شمار می‌رفت، هستیم. اما نکته قابل توجه آن که در انتخاب هیئت مدیره بیشتر به جنبه‌های اقتصادی و یا سنی افراد توجه شده و معیارهای مهم دیگر مورد غفلت قرار می‌گیرند. به علاوه انتخاب هیئت مدیره معمولاً از سوی برخی افراد با نفوذ صورت گرفته و به ندرت از عموم مسجديان اظهار نظر خواسته می‌شود. در واقع این مسئله نیز تا حد زیادی ناشی از نبود فرهنگ مشارکت عمومی و اهمیت ندادن افراد به نقش و جایگاه مسجد ناشی می‌شود و لذا هرگاه تصمیم نایجابی از سوی متولیان مسجد دیده می‌شود افراد ترجیح می‌دهند به جای دخالت در امور و اظهار نظر، خود را کنار کشیده و از شرکت در مراسم‌ها و گاه حتی حضور در نماز خودداری ورزند.

موارد مذکور در این مختصر تنها نمونه‌هایی بارز و روشن از چالش‌های فراوری نهاد مسجد در عصر حاضر می‌باشند که امیدواریم بتواند زمینه این‌گونه مباحث را رد میان متولیان امور مساجد و به ویژه نشریه وزین مسجد باز نموده و رونقی تازه و تحرکی پویا به این نهاد مقدس دینی بخشد.